ماجراهای عجیب و هولناکی که تبهکاران طماع در مشهد رقم زدند

بدل سرهنگ!

ثبت احوال، بانک ها، دفاتر پیشخوان و خریداران املاک هم فریب خوردند!

۳ چهره متفاوت از قنبر (سرهنگ بدلی)

سید خلیل سجادپور - اوایل سال ۹۷ بود، معتادان یکی پس از دیگری پاتوق «عزیز تاما» را ترک می کردند اما «علی» چشم از پیرمرد معتادی برنمی داشت که مواظب بود ذره ای از دودهای غلیظ مواد هدر نرود! «قنبر» هم که از ساعتی قبل متوجه نگاه های خریدار گونه «علی» بود دیگر طاقت نیاورد و با اشاره چشم او را به گوشه اتاق پر از دود و دم کشید تا معنی نگاه های «علی» را بفهمد! جوان ۳۵ ساله که حیرت زده به قنبر می نگریست، همه نقشه های گذشته اش را فراموش کرد. او در حالی که می گفت: «عجب شباهتی!» راز خودش را برای «قنبر» فاش کرد و با طرح یک نقشه هولناک دیگر که با دیدن قنبر در ذهنش کلید خورده بود، گفت: چند روز قبل که به همراه یکی از دوستانم به بنگاه املاک رفته بودم پیرمرد سرهنگی را دیدم که بازنشسته یکی از مراکز نظامی بود. دوستم با آن سرهنگ اختلاف ملکی داشت و با طرح شکایت می خواست زمین او را تصاحب کند! دوستم معتقد بود که سرهنگ هیچ گاه ازدواج نکرده است و اکنون که بیش از ۷۰ سال دارد، دچار بیماری فراموشی شده و گاهی چهره افراد را به خاطر نمی آورد ولی ملک و املاک، سهام پدیده و پول نقد زیادی در حساب های بانکی اش دارد و در یک منزل ویلایی به تنهایی در کوی امام هادی (ع) زندگی می کند! و... «علی» ادامه داد: از روزی که سرهنگ را دیدم و این موضوعات را شنیدیم، نقشه های زیادی برای تصاحب اموالش کشیدیم حتی به همراه دوستم به اطراف منزل او رفتیم و محیط را کاملا بررسی کردیم! ولی از لحظه ای که تو را در «پاتوق» دیدم نقشه ام به کلی عوض شد تو شباهت عجیبی به آن سرهنگ داری! اگر بتوانی نقش بدل سرهنگ را بازی کنی، نان من در روغن است و هر آن چه به دست بیاوریم با هم تقسیم می کنیم! «قنبر» که تا آن لحظه به سخنان «علی» گوش می داد، آخرین سیخ داغ را روی مواد چسباند و به یاد گذشته اش افتاد که ۲۰ سال است از همسرش طلاق گرفته و نتوانسته برای فرزندانش پدری کند! این بود که بلافاصله دستش را به طرف «علی» دراز کرد و گفت: حاضرم! نقشه ات را بگو!

■ **تصادف وحشتناک!**

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، چند روز بود که «علی و قنبر» در اطراف منزل «پیرمرد سرهنگ» پرسه می زدند و او را با دقت تحت نظر داشتند تا جایی که حتی محل گذاشتن کلیدهای منزل و مکان های رفت و آمدش را به خاطر سپردند. اما نقشه وحشتناک در میدان شهدای مشهد رقم خورد، «علی» که سوار بر خودرو، سرهنگ را تعقیب می کرد، پلاستیک حاوی اسناد و مدارکی را دید که همیشه همراه سرهنگ بود! او در یک لحظه پدال گاز را فشرد و خودرو را محکم به «اکبر» (سرهنگ) کوبید که در حاشیه خیابان حرکت رفتارش شبیه او شود اما آن ها به خاطر تقسیم پول سهام پدیده به اختلاف خوردند و چند ماه از یکدیگر خبر نداشتند. این در حالی بود که سرهنگ به خاطر شکستگی اندام حدود ۱۰ روز در بیمارستان بستری بود و بعد از آن به خانه اش بازگشت اما متوجه سرقت نشد!

■ **دیدار دوباره با بدل سرهنگ!**

بنابر گزارش خراسان، اوایل تابستان سال ۹۸ بود که «علی و قنبر» به طور اتفاقی همدیگر را ملاقات کردند در حالی که «قنبر» از نقش بدل سرهنگ بیرون نیامده بود آن ها با هم آشتی کردند و تصمیم گرفتند ادامه نقشه را اجرا کنند.

به همین دلیل به دفاتر پیشخوان رفتند و با «عکس قنبر» تقاضای شناسنامه المثنی کردند. هیچ یک از کارمندان دفتر و حتی ثبت احوال متوجه موضوع نشدند و شناسنامه المثنی به نام اکبر (سرهنگ) و با عکس قنبر در مهر سال ۹۸ صادر شد. آن ها با همین شناسنامه حساب های جدید بانکی در چند ان افتتاح و مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان از پول های سرهنگ را برداشت کردند و با آن به خرید و فروش دلار و خودرو پرداختند اما این احتمال وجود داشت که سرهنگ متوجه ماجرا شود و کار به شکایت بکشد از سوی دیگر هم زمان فروش ملک و املاک و مستغلات سرهنگ رسیده بود و...

رضا و علی ۲ متهم دیگر پرونده تبهکاران طماع

■ **آدم ربایی با غذای مسموم!**

به گزارش اختصاصی خراسان، آن ها برای این منظور نیاز به یک همدست مطمئن دیگر داشتند تا این که او از شورای حل اختلاف در بولوار میرزا کوچک خان خارج شد «علی» که در مسیر قورمه سبزی و نوشابه را به قرص های خواب آور آلوده کرده بود به عنوان غذای نذری به سرهنگ تعارف کرد و او هم بعد از آن که در گوشه پارک غذا را خورد با اتوبوس به طرف خیابان خسروی به راه افتاد اما وقتی از اتوبوس پیاده شد سرش گیج می خورد و حال مناسبی نداشت. هر سه نفر سراغ سرهنگ رفتند و با بیان این که افرادی قصد جان او را دارند، سرهنگ را به باغی در اطراف بولوار شاهنامه بردند که چند روز قبل با نشان دادن شناسنامه جعلی سرهنگ از یک زن اجاره کرده بودند! «رضا» در باغ به محافظت از سرهنگ پرداخت و علی و قنبر املاک او را در مشهد، تربت حیدریه، اهواز و اصفهان به فروش گذاشتند.

■ **فرار ویلچرنشین!**

در این هنگام یکی از شرکت تعاونی های نظامی، وقتی دید قیمت مغازه ای که سرهنگ قصد فروش آن را دارد بسیار مناسب است تصمیم گرفت خودش آن را بخرد به همین دلیل تماس ها برقرار و قول و قرارها در محضر ثبت اسناد گذاشته شد. «قنبر» که نقش بدل سرهنگ را بازی می کرد این بار عصایش را کنار گذاشت و در نقش بیماری معلول که نمی تواند حرف بزند درون ویلچری نشست که روز قبل با ترفند خاصی از حرم مطهر امام رضا(ع) سرقت کرده بودند! «علی» که خود را فرزند خوانده سرهنگ معرفی می کرد با کمک دیگران و به زحمت، «بدل سرهنگ» را از پله ها به داخل محضر بردند اما شباهت فامیلی پرونده مغازه دیگری در محضر، موجب بروز مشکلاتی شد و کار به مشاجره کشید. محضردار هم با عصبانیت گفت: باید به پلیس ۱۱۰ زنگ بزنم تا تکلیف را مشخص کنند! این جمله «علی» را به هم ریخت و او با اشاره به «قنبر» فهماند که اوضاع خراب شده است! در این هنگام «قنبر» که تا آن لحظه سکوت کرده بود ناگهان از روی ویلچر بیرون پرید و با «علی» پا به فرار گذاشتند و یکسره به باغ ویلای اجاره ای رفتند و یک خودروی پژو ۴۰۵ را به عنوان حق الزحمه برای «رضا» خریدند.

■ **پلیس وارد ماجرا شد**

از سوی دیگر یکی از بستگان سرهنگ که چند روز بود خبری از او نداشت و تلفن هایش نیز بی پاسخ می ماند به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی رفت و از کار آگاهان کمک خواست. با توجه به اهمیت این پرونده و احتمال وقوع جنایت، گروه زبده ای از کارآگاهان دایره مبارزه با آدم ربایی با صدور دستورات ویژه ای از سوی سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) وارد عمل شدند و به تحقیق در این باره پرداختند.

گزارش خراسان حاکی است، از سوی دیگر تبهکاران طماع که دست بردار نبودند، دو روز بعد سرهنگ را در نزدیکی منزلش رها کردند و برای فروش املاک سرهنگ به استان های دیگر رفتند ولی باز هم اختلاف مالی بین قنبر و علی ایجاد شد و از یکدیگر جدا شدند. تا این که یک روز «علی» خودرو پژو ۴۰۵ رضا را در خیابان دید و آن را با خودروی بالابر سرقت کرد و در زابل به فروش رساند. با وجود این وسوسه مال و اموال سرهنگ رهایش نمی کرد و در پاتوق های استعمال مواد مخدر یک بدل دیگر یافت تا ادامه نقشه اش را با همان شیوه قبلی پیاده کند اما این بار پلیس به ثبت احوال نامه نوشته بود که در همین حال هنگام دریافت شناسنامه المثنی کارمند ثبت احوال متوجه شد و علی که بدل دوم سرهنگ را روی ویلچر نشانده بود، پا به فرار گذاشت.

گزارش خراسان حاکی است، کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی که با نظارت مستقیم سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی) به ردیابی های اطلاعاتی ادامه می دادند به ماجرای محضر ثبت اسناد رسیدند و موفق شدند هویت تبهکاران طماع را به دست آورند بنابراین عملیات گسترده زیر نظر سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) ادامه یافت و آن ها پس از پیدا کردن باغ ویلای که قبلا سرهنگ در آن نگهداری می کردند در چند عملیات ضربتی جداگانه متهمان این پرونده را در حالی به دام انداختند که منتظر تماس بنگاه داران املاک از شهرهای دیگر کشور برای فروش مستغلات سرهنگ بودند. به گزارش خراسان، تحقیقات بیشتر در این پرونده عجیب و هولناک توسط سروان رجبی (افسر پرونده) همچنان ادامه دارد.

در امتداد تاریکی

مسافر سوئیس

روزی که به خواستگاری ام آمد خیلی قاطع قول داد که تا شش ماه دیگر مرا به سوئیس ببرد اما اکنون که پنج سال از آن زمان می گذرد، نه تنها رنگ خارج از کشور را ندیده ام بلکه الان با دختر دیگری وارد رابطه غیراخلاقی شده است و قصد دارد بدون پرداخت هیچ گونه حق وحقوقی مرا طلاق بدهد تا...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۳ ساله تبعه خارجی است که به قصد شکایت از همسرش وارد کلانتری شده بود. این زن جوان که ادعا می کرد «شوهرم می خواست مرا خفه کند که از چنگش فرار کردم!» درباره ماجرای ازدواجش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری میرزاکوچک خان مشهد گفت: در سال ۹۴ یکی از هموطنانم که در کشور سوئیس زندگی می کند به خواستگاری ام آمد و قول داد که مرا تا شش ماه دیگر به محل اقامت خودش در آن کشور ببرد. من هم که پدر و مادرم را از دست داده بودم و در منزل خواهران و برادرانم سرگردان بودم، به خواستگاری اش پاسخ مثبت دادم و پای سفره عقد نشستم اما او هیچ وقت نتوانست مرا به خارج از کشور ببرد و هر بار به بهانه های واهی مرا در انتظار می گذاشت. از روزی که به عقد «عادل» درآمدم، زندگی ام سخت تر شد چرا که مجبور بودم چندین سال را در خانه های اطرافیانم زندگی کنم و «عادل» تنها مخارج پوشاک مرا می داد. او هر چند ماه یک بار به مشهد می آمد و با چرب زبانی فقط وعده اقامت در سوئیس را می داد. سه سال بعد از برگزاری مراسم عقد کنان تصمیم به طلاق گرفتم چرا که نمی توانستم با این شرایط کنار بیایم. اما او باز هم با نیرنگ و حیله گری به خانواده ام قول داد که این بار مرا به صورت غیرقانونی و توسط قاچاقچیان انسان به خارج از کشور می برد. او گفت همه کارها را ردیف کرده و تا ۲۰ روز دیگر از ایران می رویم! «عادل» با این ترفند من و خانواده ام را راضی کرد تا جشن عروسی بگیریم و دوباره چند ماه بعد به سوئیس برگشت. وقتی یک سال بعد، بار دیگر به ایران آمد و گفت نتوانسته برایم گذرنامه بگیرد، تازه فهمیدم که او نمی تواند مرا به سوئیس ببرد! به همین دلیل چاره ای جز طلاق نداشتم ولی او طلاهایم و عقدنامه را از من گرفت تا از او جدا نشوم. به ناچار تصمیم به زندگی با عادل گرفتم. او هم خانه ای برای من اجاره کرد و دو ماه بعد به سوئیس رفت. مدام با او در تماس بودم تا این که گفتم از این بلاتکلیفی خسته شده ام، یا مرا به خارج از کشور ببر یا خودت بیا در ایران زندگی کن. عادل پیشنهادم را قبول نکرد اما وقتی چهار ماه بعد دوباره به ایران آمد، گفتم پس باید مهریه و حق و حقوقم را بدهی تا از هم جدا شویم! به همین دلیل قهر کردم و به منزل خواهرم رفتم ولی با وساطت آن ها دوباره به خانه ام بازگشتم. اما یک روز با بررسی پیام های گوشی تلفن همراهش تازه متوجه شدم که او با زنان و دختران دیگری هم ارتباط دارد و مدام در شبکه های اجتماعی با آن ها قرار می گذارد. عادل نه تنها این ارتباطات پنهانی را انکار نکرد بلکه خیلی راحت گفت قصد دارد با یک دختر ایرانی ازدواج کند! آن جا بود که فهمیدم رفت و آمدهای گاه و بی گاه او به یک شرکت خصوصی بی دلیل نبود. وقتی عادل را تعقیب کردم، از آن چه می دیدم بسیار حیرت زده شدم، چرا که او با خواهر یکی از کارکنان آن شرکت بیرون می رفت و پاسخ تلفن های مرا نیز نمی داد. بالاخره شماره تلفن آن دختر را پیدا کردم و به او گفتم: چرا با شوهرم رابطه داری؟ او با تعجب گفت: مگر عادل زن دارد؟ من هم همه ماجرا و سرگذشتم را برایش بازگو کردم تا این که «محبوبه» با او قطع رابطه کرد. عادل که فهمیده بود من با محبوبه تماس گرفته ام، با عصبانیت مرا کتک زد و گفت: تو را طلاق می دهم و سرسوزنی هم مهریه نمی دهم! با وجود این، عادل دست بردار نبود و سراغ برادر آن دختر رفت تا محبوبه را راضی به این ازدواج کند! از طرف دیگر من هم که کسی را نداشتم و سال های جوانی ام را بر باد رفته می دیدم، دست به دامان محبوبه شدم و ارتباط عادل با زنان و دختران دیگر را برایش فاش کردم. او هم مقابل شرکت منتظر عادل ایستاد و حدود یک ساعت او را نصیحت کرد که این گونه ازدواج ها عاقبت خوشی ندارد، به گونه ای که هوسرانی های زودگذر زندگی دیگران را ویران می کند و...

عادل با شنیدن این حرف ها به خانه آمد و در حالی که با جملاتی زشت به من ناسزا می گفت، گلویم را فشار داد تا مرا خفه کند، ولی خودم را از زیر دست و پایش بیرون کشیدم و با پلیس تماس گرفتم.

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ باقی زاده حکاک (رئیس کلانتری میرزاکوچک خان) رسیدگی به این پرونده به کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی مناقصه عمومی خرید البسه (پالتو و بارانی)

آستان قدس رضوی در نظر دارد البسه فرم (پالتو و بارانی) خدام حرم مطهر رضوی (ع) را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید، لذا متقاضیان محترم جهت مشاهده شرایط مناقصه و دریافت اسناد مربوطه می توانند به نشانی http://dev.razavi.ir بخش مناقصات مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۸ نسبت به تحویل پیشنهادات تکمیل شده، نمونه ها و مدارک مطابق شرایط اعلام شده اقدام نمایید، ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

شماره تماس: ۰۵۱-۳۲۰۰۱۱۱۳ و ۰۵۱-۳۲۰۰۱۰۵۳

۹۹۰۲۴۹۲۴/ق

نوبت اول

آگهی فراخوان عمومی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز فجر جم
(سهامی خاص)

۱- نام ونشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم، به نشانی استان بوشهر، شهرستان جم، پالایش گاز فجر جم، امور کالا، کدپستی ۷۵۵۶۱۵۴۸۶۴
۲- موضوع مناقصه: وفق جدول ذیل به صورت آگهی فراخوان عمومی

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ (بریال)	تضمین شرکت در مناقصه: نوع تضمین	نوع مناقصه از لحاظ: فراخوان - مراحل بررسی
۱	۹۰۴۱۷۷۵	P/F BALL VALVE " PET ROL VALVES "			اعلام آمادگی
۲	۸۹۴۰۸۷۵	P/F BALL VALVE " TEHVIGNOT "			اعلام آمادگی
۳	۹۵۴۰۹۷۵	P/F BALL VALVE " TK "			اعلام آمادگی
۴	۹۵۴۰۱۷۵	P/F BALL VALVE " NUOVO PIGNON "			اعلام آمادگی
۵	۹۷۴۰۳۷۵	P/F BALL VALVE " GROVE "			اعلام آمادگی
۶	۹۷۴۰۵۷۵	P/F BALL VALVE " KTM "			اعلام آمادگی
۷	۹۷۴۰۶۷۵	P/F BALL VALVE " KTM "			اعلام آمادگی
۸	۹۷۴۰۷۷۵	P/F BALL VALVE " KTM "			اعلام آمادگی
۹	۹۴۴۱۵۷۵	P/F BALL VALVE " NUOVO PIGNON "			اعلام آمادگی

۳- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق و بصورت نقدی یا ضمانتنامه بانکی می باشد. ۴- محل، زمان ومهلت دریافت اسناد: اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم یا مراجعه به سایت شرکت و دریافت فرم استعلام ارزیابی کیفی تامین کنندگان کالا (تکمیل فرم مذکور الزامی می باشد). زمان دریافت اسناد حد اکثر ۷ روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم، مهلت ارایه پیشنهادات و بازگشایی آنها بانضمام اسناد مناقصه اعلام می گردد. (جهت مناقصات ارزیابی عمومی ارسال نامه اعلام آمادگی بهمراه فیش واریزی کافی است)، شماره حساب بانک ملی شعبه جم ۰۱۰۵۴۶۰۹۰۹۰۰۰ مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال

مناقصه گران محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی WWW.FAJRJAM.IR یا به آدرس استان بوشهر -شهرستان جم -شرکت پالایش گاز فجر جم-امور کالا (کد پستی ۷۵۵۶۱۵۴۸۶۴) مراجعه یا با شماره ۰۷۷-۳۱۶۸۲۵۸۸ تماس حاصل نمایند. ضمناً فراخوان مناقصه مذکور در پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir وپایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم

شماره مجوز (۱۳۹۸.۱۷۵۰)

۹۹۰۲۵۰۸۵/ق

نوبت دوم

«خاموش نمودن لامپهای اضافی نشانه رشد فرهنگی است»

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای

شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی - سهامی خاص (نیروگاه شهید رجایی)

۱- نام مناقصه گزار: شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی-سهامی خاص (نیروگاه شهید رجایی)
۲- شرایط و عناوین مناقصه:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	میزان سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	۸-۹۹/۳خ	حمل سود مایع از مبدأ پتروشیمی بندر امام توسط تانکر به مقصد نیروگاه شهید رجائی به مقدار حدوداً ۱۳۰۰ تن سالیانه	۱۹۵،۰۰۰،۰۰۰

۳- محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۲۵ اتوبان قزوین-کرج، امور قراردادها و توسعه بازار، اداره قراردادها، تلفن ۳-۸۸۷۹۶۶۸۱-۰۲۱ و ۱۲-۳۲۸۴۹۲۱۱-۰۲۸ - داخلی ۶۰۷۳.
۴- سپرده شرکت در مناقصه: به شرح مبلغ جدول فوق الذکر بصورت ارائه یکفقره ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه به حساب جام ۶۸۰۴۴۶۶۱۸۸ بانک ملت شعبه اسدآبادی قزوین (باجه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه گزار).
۵- تاریخ فروش اسناد مناقصه: پنج روز کاری از تاریخ آخرین چاپ نوبت دوم آگهی.
۶- تاریخ تحویل اسناد مناقصه به دبیرخانه نیروگاه: تا ساعت ۱۵ عصر روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۱
۷- مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۵۴۵،۰۰۰ ریال با احتساب ۹% ارزش افزوده برای هر مناقصه به صورت واریز وجه به حساب جام ۶۸۰۴۴۶۶۱۸۸ بانک ملت شعبه اسدآبادی قزوین (باجه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه گزار).
۸- زمان و محل قرائت پیشنهادات مناقصه: زمان بازگشائی پاکات روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل مناقصه گزار انجام خواهد شد.
- این آگهی را می توانید در سایت اینترنتی ذیل مشاهده کنید.
سایت ملی اطلاع رسانی: http://iets.mporg.ir
سایت شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی: http://tender.tpph.ir
سایت نیروگاه شهید رجایی: http://www.rpgm.ir

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۴/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۴/۱۷

روابط عمومی شرکت مدیریت تولید برق شهیدرجائی

۹۹۰۲۴۲۸۱/ق